

## غزل شماره ۱۵۵

اگر روم ز پی اش قتنه ما برانگیزد

ور از طلب بشینم به کینه برخیزد

وگر به رهگذری یک دم از وفاداری

چو گردد پی اش اقم چو باد بگریزد

وگر کنم طلب نیم بوسه صد افسوس

ز حقه دیش چون شکر فروریزد



من آن فریب که در زکسِ تومی بینم  
بس آبروی که با خاک ره برآمیزد

فراز و شیب یابان عشق، دامِ بلاست  
کجاست شیردلی که ز بلا نپرمیزد

تو عمر خواه و صوری که چرخِ شعبده باز  
هزار بازی از این طرفه تر برانگیزد

بر آستانه تسلیم سربینه حافظ  
که گر ستیزه کنی، روزگار بستیزد



## تفسیر فال

همیشه همه کارها بر وفق مراد نیست و این حقیقتی است که بسیاری از ما در طول زندگی خود با آن مواجه می‌شویم. در چنین مواقعی، لازم است که به خود یادآوری کنیم که تلاش بیش از حد به تنهایی نمی‌تواند تمام مشکلات را حل کند و آنچه برای ما مقدر شده، در نهایت به ما خواهد رسید. بنابراین، بی‌جهت خود را تحت فشار قرار نده و سعی کن تا آرامش خود را حفظ کنی. کمی تامل و تفکر بکن؛ صبر را سرلوحه کارهای خود قرار بده و اجازه بده که زمان پاسخ سوالات و چالش‌هایت را بدهد. دلت را قوی کن تا بتوانی با فرازها و نشیب‌های زندگی مقابله کنی، حتی اگر گاهی احساس کنی که زندگی تو را به بازی گرفته است. در این مسیر دشوار، تسلیم خداوند باش نه تنها دل خود؛ زیرا او بهترین راهنماست و می‌تواند تو را در برهه‌های سخت یاری کند. ایمان داشته باش که هر چالش، فرصتی برای رشد و پیشرفت است.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)